

یادداشت

چرا آمار دقیق نداریم؟



مهدی بهلولی
آموزگار

● در آغاز هفته آموزگار هستیم، اما امسال برخلاف سال‌های گذشته که در این روزها، مدرسه‌ها باز بودند و رونقی داشتند، در مدرسه‌ها بسته‌اند و آموزش‌ها نه حضوری که برخط [آنلاین] انجام می‌شوند. بسته‌شدن مدرسه‌ها به‌خاطر ویروس کرونا که در حال حاضر با آن روبه‌رو هستیم، پدیده‌ای گسترده و جهانی است و بنا بر برخی آمارها، حدود یک میلیارد دانش‌آموز به مدرسه نمی‌روند. بخشی از این دانش‌آموزان، از آموزش‌های برخط بهره‌مندند، اما بخشی هم این چنین نیستند. این روزها در سطح جهان آمارهای گوناگونی در حال انتشار است که نشان می‌دهد چه درصدی از دانش‌آموزان کشورهای گوناگون به آموزش‌های برخط دسترسی دارند و چه درصدی ندارند و اگر دسترسی دارند، چه درصدی از آنها از این آموزش‌ها به خوبی استفاده می‌کنند؛ برای نمونه در جایی درباره استرالیا خوانیم: «آمار نشان می‌دهد که ۸۷ درصد استرالیایی‌ها می‌توانند به اینترنت خانگی دسترسی داشته باشند، اما در جوامع محروم استرالیا ۶۸ درصد بچه‌های بین ۵ تا ۱۴ ساله در مقایسه با ۹۱ درصد دانش‌آموزانی که در مناطق بهره‌مند زندگی می‌کنند، دسترسی به اینترنت خانگی دارند». در جای دیگری خوانیم که فاینشال‌تایمز بر اساس پژوهش بنیاد ساتن آورده است که «دوسوم کودکان بریتانیایی از هنگام شروع تعطیلی‌های کرونایی، در یادگیری‌های برخط شرکت نکرده‌اند». نکته درخور درنگ به ایران برمی‌گردد؛ کشوری که گویا آمار در آن به نوعی خط قرمز به شمار می‌آید؛ حتی آمار دانش‌آموزانی که در حال حاضر به آموزش‌های برخط دسترسی ندارند یا اگر دارند، استفاده نمی‌کنند. یکبار محسن حاجی‌میرزایی، وزیر آموزش‌وپرورش، گفت ۳۰ درصد دانش‌آموزان به اینترنت دسترسی ندارند، اما به‌سرعت آن را تکذیب کرد و به حدود هفت درصد رساند. در روزهای گذشته و پس از انتشار برخی آمارهای جهانی که نشان می‌دهند در پیشرفته‌ترین کشورها نیز درصد چشمگیری از دانش‌آموزان، خواسته یا ناخواسته، از آموزش‌های برخط بی‌بهره‌اند و همچنین خبرهای گوناگونی که در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه شمار چشمگیری از مردم متوسط و فقیر به فکر افتاده‌اند که هرطور شده برای بچه‌هایشان گوشی هوشمند تهیه کنند، برخی نمایندگان مجلس شروع کردند به ارائه آمار از دانش‌آموزانی که به اینترنت دسترسی ندارند و از آموزش‌های برخط بی‌بهره‌اند.

بباری در آموزش‌وپرورش ما، بخش آمار و پژوهش وجود دارد و در قانون‌های بودجه هم ردیف اختصاصی خود را دارند، اما کمتر دیده شده که آمار و اطلاعاتی مفید و به‌موقع منتشر کنند تا در روشن‌شدن وضعیتی که در آن هستیم و کمبودها و کاستی‌هایی که باید جبران شوند، کمکی کرده باشند؛ البته اگر به راستی قصدی برای جبران کمبودها و کاستی‌ها باشد.

معلمانی که بیشتر از دیگران تحت فشارند



محمد رضا نیک‌نژاد
آموزگار

کرونا کم و بیش بر همه گستره‌های زندگی انسان‌ها سایه افکنده و گویا سایه سنگینش، به گفته کارشناسان، برای ماه‌های آینده بر سر جهان سنگینی خواهد کرد. گستره آموزش نیز از این ویروس مودی در امان نماند و این روزها بازار آموزش‌های مجازی داغ است و دانش‌آموز و معلم و پدر و مادرها و دست‌اندرکاران را آسیر بحرانی بی‌همتا، گیج‌کننده و تهدیدگونه کرده است. با همه اینها در این تهدید، فرصت‌هایی نهفته است که اگر بجنییم و اندکی بیندیشیم و البته برنامه‌ریزی کنیم، می‌توانیم در آینده از میوه‌های شیرینش بهره ببریم و امید که قدر فرصت‌ها دانسته شود!

اما از تهدیدها و فرصت‌های دوران کرونا که بگذریم، معلمان خرید خدمتی و بسیاری از معلمان آزاد و حق‌التدریس، همکاری هستند که افزون بر فشارهای معمول وارد بر همه مردم و البته معلمان در این روزها، فشار اقتصادی نیز بیش از معلمان رسمی، قوز بالا قوز زندگی شخصی و حرفه‌ای‌شان است. این سه نوع معلم، عموماً روزمزد بوده و روزهای تعطیل، نه دستمزدی دریافت می‌کنند و نه حق بیمه‌ای. این همکاری‌ها حتی در شرایط عادی نیز با کمترین دستمزدها- ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان- بیمه‌های بسیار ناکارآمد ۱۵ تا ۲۰ روزه، قراردادهایی یک‌طرفه به سود دولت یا مدیر- مؤسس مدرسه، نبود تضمین استخدام و... تا حد استمار به کار گرفته می‌شوند و مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. تعطیلی‌های ناخواسته مدرسه‌ها در این دوران، چنین معلمانی را در وضع بسیار شکننده‌ای قرار داده و می‌دهد؛ به‌ویژه معلمان خرید خدمت که در سال‌های گذشته نیز دستمزد‌های خود را ۸ ماه و ۹ ماه و یک سال تأخیر دریافت می‌کردند و معمولاً خرج و دخل‌شان هم‌تراز بود و هست؛ گمانی نیست که این معلمان در این روزهای آموزش مجازی مانند دیگر همکاری‌ها خوش تلاش می‌کنند یا کمترین امکانات،

چک‌های خانواده‌ها یا مقاومت آنان در برابر پرداخت شهریه است. اما گمانی نیست که برخی از مدرسه‌های غیردولتی با چنین بحرانی روبه‌رو هستند. چه موافق مدرسه‌های غیردولتی باشیم و چه مخالف، یادآوری یک نکته ضروری به نظر می‌رسد و آن این است که مدرسه‌های غیردولتی، ۳۰ سال است که بار بخشی از هزینه‌های آموزشی را از دوش دولت برداشته‌اند، اخلاقی نیست امروز که نیاز به یاری دارند، دولت پشت‌شان را خالی کند. بهتر است به‌سرعت گروهی برای ارزیابی این مدرسه‌ها تشکیل شود و با تشخیص این گروه‌ها، مدرسه‌های غیردولتی دچار بحران، مورد حمایت‌های اثرگذار قرار گیرند تا دست‌کم دستمزد معلمانش پرداخت شود و البته اگر مدرسه‌ای در پرداخت‌ها کوتاهی می‌کند نیز پیگیری و برخورد شود.

آموزش را پیش ببرند و دانش‌آموزان را برای به پایان‌رساندن سال آموزشی یاری رسانند. بنابراین دست‌اندرکاران و مدیران ارشد آموزش و پرورش باید چاره‌ای بیندیشند تا بر خلاف سال‌های پیش، دستمزد این همکاری‌ها دست‌کم بنا بر قراردادهای، زودتر و کامل پرداخت شود. این کار افزون بر رویه‌ای انسانی- اخلاقی می‌تواند زمینه انگیزشی آنان را برای ادامه کار و کیفی‌کردن آموزش‌های کنونی و آینده فراهم کند. اما بخش دیگری از معلمان، معلمانی هستند که به شکل نیروی آزاد عموماً در مدرسه‌های غیردولتی مشغول به کار هستند. با همه تأکیدهای- البته خشک و خالی- دست‌اندرکاران، همچنان گروهی از مدرسه‌های غیردولتی نخواستگی یا نتوانسته‌اند دستمزد بخشی از این نیروها را پرداخت کنند. گرچه بهانه این مدرسه‌ها معمولاً پاس‌نشدن

معلمی عشق است در انبوه دغدغه‌ها



عبدالجلیل کریم‌پور
آموزگار

کوتاه نخواهد آمد!
معلمی را زندگی می‌کنم و معلم را پاس می‌دارم که جز به راه حقیقت نمی‌رود و اگر او را دغدغه‌مندی از پای بدارد، هدف از دل نخواهد رفت.
او را نه وعده سر خرمن شاد می‌کند و نه بی‌مهتری زمانه، اندوهگین که یادگار عشقش را چندیدست در دل کودکی می‌جوید که از او رسیدن می‌خواهد، از او عزت می‌طلبد و از او نبرد یابی جاهل می‌آموزد که پشتوانه‌ای است برای شکفتن و این روزها، چشم در چشم شاگرد در پس آندهی همه‌گیر کم شده است و مجبورش کرده، دل به امیدی مجازی دهد، اگر چه

چشمان یکی‌یکی اما از اشک پر است که حتی این وسیله هم نمی‌تواند او را به شاگردش متصل کند که یا شاگردش پولی در بساطش نیست تا آن را بخرد یا ارتباط به آنجا خط نمی‌دهد و البته آنچه می‌ماند، درد است و دریغ و دیگر هیچ!
به‌هرحال امسال را نه شور روز معلم در سر مانده و نه حسی برای بیان خاطره که انبوه آنده، دمار از همه درآورده است و امید را با آندهی بی‌نشان درگیر کرده است که پایش را از هیچ‌کس نمی‌داند، اما به عرف همیشه این روز را به مبارکی می‌نگریم و تحفه از خدای مهر برای همه آنهایی می‌خواهیم که جز به معلمي نمی‌اندیشند.

بسیاری تصور می‌کنند معلم بودن یعنی رفتن به کلاس درس به تعداد روزهای معین منهای تابستان و تصور برخی هم این است که او را یک ماشین آموزش می‌دانند که باید در مقابل پاداشی معین آموزشی معین به دانش‌آموز بدهد و انتظار از این گروه از معلمان رفتاری رویات‌گونه و مکانیکی است.
شاید عدم پذیرش بسیاری از مردم نگاه یک‌سویه و ماشینی به معلم است، اما برای آن دسته که معلم‌بودن را با جان و روح خویش تجربه کرده باشند، معلمي یک شغل نیست، روی دیگری هم دارد که به آن می‌گویند هنر معلمي.
فارغ از ظاهر تکراری و کلیشه‌ای اصطلاح هنر معلمي، هنر معلم به دانش و شیوه تدریس او

من معلم هستم

در کلاس درس نیست. در معلمي، خوب دیدن، خوب‌شنیدن، خوب‌گفتن و رعایت مقررات و شیوه تدریس بخشی از هنر اوست و بخش مهم دیگر این هنر، خوب‌نشیدن، خوب‌دیدن و بازی هنرمندانه در کلاس درس و مدرسه است.
معلمي یعنی اینکه بتوانی کلاس درس را برای بیش از ۳۰ نفر با توانمندی‌ها و مشکلات متفاوت طوری بیاری که آب در دل کسی تکان نخورد. خوب درس بدی، به پاسخ درست و نادرست دانش‌آموزان گوش بدهی و آن را اصلاح کنی، شوخی احمد و کسری با میز جلویی‌شان را نبینی و فحش و ناسازی را که حسین و مهدی هنگام درس به یکدیگر می‌دهند نشنوی و حتی حواست باشد طوری درس بدی که علیرضا کمی چرت

سودوکو سخت ۲۶۴۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
- در هر مربع ۳x۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۶۴۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای اعدادی بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

جدول ۲۶۵۲

۷	۸	۴	۵	۲	۱	۶	۳	۹
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۶	۱	۵	۳	۲	۹	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۹
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

جدول ۲۶۴۸

حل سودوکو سخت

حل سودوکو ساده

جدول ۳۶۵۳

طراح: بیژن گورانی

افقی:

- آب‌بوز- دست درازی- با ... آشنا سخن
- آشنا بگو- ضمیر جمع- معشوق- بانوی انقلابی
- نهیضت آزادی بخش الجزایر ۳- گوزن مینیاتوری
- کیلان- دانه خوراکی مقوی- مسافر سرزمین عجایب
- قهوه تلخ- جست و جایک- بیش درآمد اشغال
- برداشت محصول- بالاتر از آن رنگی نیست-
- بهامهر ۶- واحد طول روسی معادل ۱۰۶۷ متر-
- نوعی ماهی در خلیج فارس- بازی و سرگرمی ۷-
- مکان- فرشته مهر در آیین زرتشتی- وقت مناسب انجام کاری ۸-
- نوعی میمون دم‌دار- کشور- راه فرار ۹-
- قسمتی از دست- مقبره‌های عظیم فرانسه مصر باستان- نام آذری ۱۰-
- درآمد- پرستش خداوند- شب زنده‌داری ۱۱-
- شکلی هندسی- صاعقه- بندری در جنوب شرقی فرانسه ۱۲-
- فرو رفته- شهری در ترکیه- درنگ‌نا ۱۳-
- ایزار مکانیک- پرتو ماه- سراینده داروک ۱۴-
- مطالبه خانواده عروس- درست دانستن سخن یا عملی- تپه کوچک ۱۵-
- همراه جای- ماکت- کشت اول سال.

عمودی:

- درختی همیشه سبز- کوشا- همراه چنگال
- افسر نیروی دریایی- جاسوس ۳-
- نوعی ماهی استخوانی آب‌های شیرین- آرامش یافتن- گندم آسیاب شده ۴-
- گذرگاه- زن گندمگون- زنده ۵-
- نقش هنرپیشه- رخوت- بنده- نفس خسته ۶-
- پدر- زندگی اجتماعی در جهت رشد و ترقی- رهبر دیوار بلند- شرم و حیا- تخم گیاه ۸-
- کنایه از

افاده و تکبر کردن است ۹- صفحات داخلی روزنامه- نوعی بیماری پوستی- کاو یالداز تبت ۱۰- مایه درد سر- از لوازم‌التحریر- آشنا ۱۱- نوعی حلوا- زنگ خطر- عصبانی و خشمناک- تیر پیکاندار ۱۲- نامه

در این روزها که روزگار آن روی خودش را به ما نشان داده است و دنیا در تپ‌وتاب خبرهای جنگ و بیماری می‌سوزد، کم نیستند کسانی که از لایه‌لای آلام و حال ناخوش خود پیام تیرکی برای معلمان می‌فرستند. در میان تیرکی‌های پوچ و تکراری مسئولان همین پیام‌های گاه‌وبیگاه دانش‌آموزان و دوستان است که حال معلمان را خوش می‌کند و رسالت هنری معلم را در آموختن و پرورش روح انسان به یاد می‌آورد.